

(وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) رُوِيَ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَهُ عِنْدَ دَفْنِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَاطِمَةَ -
 عَلَيْهَا السَّلَامُ- كَالْمُنَاجِي بِهِ رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- عِنْدَ قَبْرِهِ: السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ عَنِ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ فِي جِوَارِكَ، وَ السَّرِيعَةِ اللَّحَاقِ بِكَ،
 قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، وَ رَقَّ عَنهَا تَجَلُّدِي، إِلَّا أَنَّ لِي فِي التَّأْسَى
 بَعْظِيمٍ فُرْقَتِكَ، وَ فَادِحٍ مُصِيبَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزُّ، فَلَقَدْتُ وَ سَدْتُكَ فِي مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ، وَ
 فَاضَتْ بَيْنَ نَحْرِي وَ صَدْرِي نَفْسُكَ. إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، فَلَقَدْتُ اسْتُرْجِعْتَ
 الْوَدِيعَةَ، وَ أَخَذْتَ الرَّهْيَنَةَ، أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ، وَ أَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ إِلَى أَنْ يَخْتَارَ اللَّهُ
 لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ بِهَا مُقِيمٌ، وَ سَتَّبَعْتُكَ ابْنَتُكَ بِتَضَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا،
 فَأَحْفَهَا السُّؤَالَ، وَ اسْتَحْبَرَهَا الْحَالَ. هَذَا وَ لَمْ يَطُلِ الْعَهْدُ، وَ لَمْ يَخْلُ مِنْكَ الذِّكْرُ
 وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا سَلَامٌ مُودَعٍ لَا قَالٍ وَ لَا سَمٍّ، فَإِنْ أَنْصَرِفَ فَلَا عَن مَلَالَةٍ، وَ إِنْ
 أَقِمَ فَلَا عَن سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ.

هنگام به خاکسپاری فاطمه

شکوه‌ها از ستمکاری امت

سلام بر تو ای رسول خدا (ص)، سلامی از طرف من دخترت که هم اکنون در
 جوارت فرود آمده و شتابان به شما رسیده است، ای پیامبر خدا، صبر و بردباری
 من با از دست دادن فاطمه (ع) کم شده، و توان خویشنداری ندارم اما برای من
 که سختی جدایی تو را دیده، و سنگینی مصیبت تو را کشیدم، شکیبایی ممکن

است، این من بودم. که با دست خود تو را در میان قبر نهادم، و هنگام رحلت جان گرامی تو میان سینه و گردنم پرواز کرد پس همه ما از خداییم و به خدا باز می‌گردیم. پس امانتی که به من سپرده بودی برگردانده شد، و به صاحبش رسید، از این پس اندوه من جاودانه، و شبهایم، شب زنده‌داری است، تا آن روز که خدا خانه زندگی تو را برای من برگزیند. به زودی دختری تو را آگاه خواهد ساخت که امت تو چگونه در ستمکاری بر او اجتماع کردند، از فاطمه (ع) پرس، و احوال اندوهناک ما را از خبر گیر، که هنوز روزگاری سپری نشده، و یاد تو فراموش نگشته است. سلام من به هر دوی شما، سلام وداع‌کننده‌ای که از روی خشنودی یا خسته‌دلی سلامی نمی‌کند، اگر از خدمت تو باز می‌گردم از روی خستگی نیست، و اگر در کنار قبرت می‌نشینم از بدگمانی بدانچه خدا صابران را وعده داده نمی‌باشد.